

اخبار

اولین سریال مشترک تلویزیون با نمایش خانگی روی آنتن



اولین همکاری مشترک صدا و سیما با پلتفرم‌های شبکه‌نمایش‌خانگی «تنها گریه کن» نام دارد که به زودی روی آنتن شبکه افق خواهد رفت.

به گزارش تسنیم، مجموعه تلویزیونی «تنها گریه کن» به تهیه‌کنندگی میلاد حاجی پروانه و کارگردانی علی درخشنده به زودی روی آنتن شبکه افق خواهد رفت.

«تنها گریه کن» که اولین همکاری میان صداوسیما با پلتفرم‌های رویکا و نماوا در تولید سریال است روایت‌گر تنهایی زنی است که در فصل اول سریال، کودکی‌اش با رنج پدر گره می‌خورد و تصمیم می‌گیرد عشق، جوانی و رویاهایش را قربانی ایستادن در برابر ظلم و بی‌عدالتی کند و در فصل دوم تمام زندگی و داریی‌هایش را برای آرزایش فدا می‌کند.

این روند داستان زندگی او و خانواده‌اش را در سه دهه از برهه‌های مهم تاریخ معاصر کشورمان را روایت می‌کند.

فیلمنامه این سریال را علی درخشنده و پیام کردستانی نگارش کرده‌اند و می‌توان آن را اقتباسی از کتابی به همین نام دانست.
اتفاقی که امید است «تنها گریه کن» را به یکی از محصولات پرمخاطب‌سیما تبدیل کند.

افسانه کمالی، رباعه مدنی، خاخر حاتمى، رها ریائی‌نیا، پیام احمدنیا، سیاوش چراغی‌پور، مرجان قمری، احمد کاوری، هادی شیخ الاسلامی، رحیم نوروزی، حسن رضایی، یوسف صفری بختیاری و… از جمله بازیگرانی هستند که در این سریال نقش‌آفرینی می‌کنند.

سایر عوامل این سریال به شرح زیر است: مدیر فیلمبرداری: محمد افسری، طراح صحنه و لباس: پیام حسین‌سوری، طراح گریم: زهره صمدی، مشاور طراح گریم: علیرضا خورشید، مدیر صدابرداری: امیر شاهوردی، دستیار اول کارگردان: حمیدرضا بیدگل، برنامه‌ریز: مانی معصومی، منشی صحنه: داریوش اسفندی، طراح جلوه‌های بصری: محمد برداران، تدوین: محمدامین طرقي، مشاور تدوین: عماد خدابخش، موسیقی: علیرضا شمس، صداگذاری و میکس: محمدمهدی جواهری‌زاده، اصلاح رنگ و نور: سامان مجدوقایی، مدیر جلوه‌های ویژه میدانی: حمید رسولیان، عکاس: آرش شاه‌محمدی و حمید جانی‌پور، مستند پشت صحنه: شایان شوقی، ساخت و اجرای دکور: وحید اسماعیلی، مدیر تدارکات: حسین کنگاوری، مدیر تدارکات پیشرو: محمد براتی، مدیر تولید: مرتضی اسکندری.

همکاری صابر ابر با ارکستر ملی ایران



ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری همایون رحیمیان کنسرتی را تحت عنوان «بر چهره، لیخند» به روایت صابر ابر، ۲۷ و ۲۸ آذر ماه، ویژه کودکان و نوجوانان در تالار وحدت روی صحنه می‌برد.

به گزارش ایستا، در این برنامه قطعاتی از آثار ثمن باغچه‌بان، بهرام دهقانپار و محمود منظم صدیقی توسط ارکستر موسیقی ملی ایران با همراهی گروه کر بزرگسال و کودکان اجرا می‌شود. این درحالی‌است که صابر ابر، هنرمند عرصهٔ سینما و تاتر به عنوان راوی در این کنسرت حضور دارد.

کنسرت «بر چهره، لیخند» توسط ارکستر موسیقی ملی ایران با مشارکت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به رهبری همایون رحیمیان از ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۷ و ۲۸ آذرماه در تالار وحدت برگزار می‌شود.

مراسم نکوداشت ۹۷ سالگی فتح‌الله مجتبیای، امروز دوشنبه، ۱۹ آذر در تالار شهیدی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد.

به گزارش ایستا، مراسم با سرودهای از فتح‌الله مجتبیایی با عنوان «من کی‌ام؟» آغاز شد.

غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با خیر مقدم به حاضران گفت: این مراسم برای رونمایی از دو اثر جدید آقای مجتبیایی برگزار می‌شود: «نحو هندی و نحو عربی» و «صحبت با مونس جان»؛ آقای اسوار ترجمه «نحو هندی» را برعهده گرفت و کار شایسته استاد مجتبیایی را با ترجمه استاد اسوار داریم. او با ابراز خرسندی از انتشار کتاب به زبان عربی، خاطرنشان کرد: نیت این بود کتاب توسط ناشر عرب منتشر شود تا به دست مخاطبان اصلی آن برسد. در دو سه سال اخیر هم پیگیر انتشار آن بودیم و قول‌هایی هم داده شد اما این اتفاق نیفتاد. در نهایت در شورای انتشارات تصمیم گرفتیم ترجمه را منتظر امکانات دیگر، نگذاریم. این کتاب در ایران چاپ شده و حالا رونمایی می‌شود. مجموعه مقالات ایشان هم حتماً سودمند است.

غلامعلی حداد عادل با بیان اینکه یکی از خوشبختی‌های خود را، آشنایی با استاد مجتبیایی می‌داند، یادآور شد: از زمانی‌که دانشجویی فلسفه بودم و گاه به عنوان دانشجو وارد دانشکده ادبیات می‌شدم، در دفتر مرحوم دکتر مهدوی ایشان را می‌دیدم. آقای مجتبیایی رسماً استاد دانشکده الهیات بودند و برای تدریس دانشکده ادبیات می‌آمدند، ما دانشجویان نگاهي از پایین به بلندای علم و معرفت ایشان می‌انداختم و این نگاه همچنان در من باقی است؛ یعنی هنوز هم خدمت ایشان که می‌رسم، خودم را در برابر دریای فضل و فضیلت او کوچک می‌بینم. وجود ایشان را در فرهنگستان از افتخارات فرهنگستان و کشور می‌دانم.

او تأکید کرد: اگر بخواهم در یک جمله آقای مجتبیایی را توصیف کنم، باید بگویم ایشان جامع فصل و فضیلت است؛ از لحاظ خصوصیات و خلیقات انسانی دوست داشتنی است و هم استاد والا مقامی که تحقیقات و نوشته‌هایش سودمند و آموزنده است. محبت ایشان شیرینی‌ای دارد که از کام دوستان زودوه نمی‌شود. این‌شالله که سلامت باشند و برای ایشان آرزوی طول عمر می‌کنم.

علی اشرف صادقی، زبان‌شناس و از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان اینکه ارادت من به مجتبیایی دیرین است، گفت: زمانی که به‌عنوان استادیار زبان‌شناسی در دانشگاه تهران استخدام شدم، یعنی ۴۸ سال پیش، با ایشان آشنا شدم. دکتر مجتبیایی پیش دکتر یحیی ماهیار نوابی، مدیرگروه زبان‌شناسی که سوابق آشنایی از هند داشت می‌آمد و این موضوع منجر به آشنایی ما شد. زمانی که دانشنامه ایران و اسلام تأسیس شد، آقای مجتبیایی هم به دانشنامه آمد و مدتی در کنار آقای یارشاطر بود واتاق ما در کنار هم بود و به همین دلیل رشته الفت ما محکم‌تر شد و از محضر ایشان استفاده می‌کردم.

او با تأکید بر اینکه مجتبیایی «دوالفنون» است، گفت: آقای مجتبیایی در رشته زبان انگلیسی تحصیل کرد اما به ادبیات فارسی علاقه‌مند بود و در زمان دانشجویی سر کلاس استاد فروزانفر حاضر می‌شد و پرسش‌های مربوط به ادبیات فارسی و بزرگان ادب را می‌پرسید. آن زمان دانشکده ادبیات در نزدیکی مؤسسه لغتنامه دهمخدا بود و هنوز به پردیس دانشگاه منتقل نشده بود. آن زمان نکته‌ای از آقای مجتبیایی شنیده بودم و از آقای فروزانفر پرسیدم، شنیدم کلمه «خاموش» قبل از قرن ۹ به معنای امروزیش به کار نمی‌رفته و به‌معنای ساکت و آرام بود. استاد تا میدان ژاله شروع کردن به شعر خواندن از شاعران قبل تا قرن ششم و هاشم آوردن که به معنای خاموش به کار رفته است و زمانی که به میدان ۹اله رسیدیم، گفت کافی است؟ به هر حال از عجایب مرحوم فروزانفر بود.

او ادامه داد: «نکته مجتبیایی بعدها در رشته ادیان تحصیل کرده و به هند می‌رود. زبان سانسکریت یاد می‌گیرد و بعد به تصوف علاقه‌مند می‌شود. علاقه‌مندان ایشان بهتر از من این‌ها را می‌دانند. یک روز از مرحوم خانلری شنیدم، ایشان نسخه‌ای از «لفت فرس» را با خود از آوردند که با نسخه‌های دیگر فرق دارد. در سال ۱۳۶۴ پیشنهاد کرد‌باهم این کتاب را چاپ

در بزرگداشت فتح‌الله مجتبیایی چه گذشت؟

بزرگداشت مردی که امید است بعد ۱۲۰ سال پیر شود!

مراسم رونمایی از کتاب‌های «صحبت آن مونس جان» و «النحو الهندی و النحو العربی» و نکوداشت ۹۷ سالگی فتح‌الله مجتبیایی اظهار امیدواری شد که «عمر ایشان از ۱۲۰ سال بگذرد و آنگاه پیر شوند و ما از خوان فضل ایشان بهره‌برداری کنیم و ایشان به شاگردپروری بپردازند.»



کنید و مدت‌ها به منزل ایشان می‌رفتم و کار را انجام دادیم که در نشر خوارزمی منتشر شد و الان هم نایاب شده است اما با اطلاعات جدید و تحقیق جدید قرار شد، چاپ شود.

صادقی در پایان گفت: امیدوارم عمر ایشان از ۱۲۰ سال بگذرد و آنگاه پیر شوند و ما از خوان فضل ایشان بهره‌برداری کنیم و ایشان به شاگردپروری بپردازند.

موسی اسوار، مترجم زبان عربی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم در باره ترجمه کتاب گفت: موسی اسوار، مترجم زبان عربی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم در باره ترجمه کتاب گفت: بنده از سال ۵۷ مدت یک سال و نیم در بنگاه ترجمه و نشر کتاب خدمت آقای صادقی که مسئول مقالات دانشنامه ایران و اسلام شد، با آقای دکتر مجتبیایی آشنا شدم؛۴۶ سال ارادت خدمت ایشان ارادت دارم اما مراتب فضل ایشان از سال‌ها قبل بر من معلوم بو و زمانی که ارادت حضوری پیدا کردم، این ارادت دو چندان شد و یکی از شیفتگان منش و شخصیت و دانش ایشان شدم.

او افزود: درباره کتاب «نحو هندی و نحو عربی» باید بگویم بنده شخصاً تبعی در تاریخ نحو عربی نداشت‌م. نحو عربی اتقدیری برابم ضروری بود که به کار ترجمه ادبی بیاید اما تبعیات تاریخی نحو را دنبال نمی‌کردم زیرا رشته من نبود و بیشتر در حوزه ترجمه ادبی کار می‌کردم. انگیزه‌ام زمانی شروع شد که دکتر مجتبیایی نسخه فارسی کتاب را به من اهدا کرد. من به اعتبار محتوا و اعتبار صاحب اثر شروع به خواندنش کردم و عرض سه روز تمام کردم. چیزی که در این کتاب جلب نظر کرد، بارقه‌هایی بود که دکتر مجتبیایی در کشف مشابهت‌های نحو هندی و نحو عربی برپو کرده بود و این اثر از نظر من اثر درخشان جلوه می‌داد. همانجا با خود فکر کردم باید این کتاب به مخاطبان اصلی‌اش برسد.

موسی اسوار اضافه کرد: کتاب «نحو هندی و عربی» یقیناً مخاطب محدودی در ایران دارد و مخاطبان اصلی، آن سوی مرزهای کشورمان، استادان زبان عربی، دانشجویان زبان عربی و نظریه‌پردازان نحو عربی در فرهنگستان‌های دمشق، بغداد، مصر، قاهره، اردن و مراکش هستند. ترجمه کتاب در فکر من بود تا اینکه سفری پیش آمد و از نمایشگاه کتاب بیروت بازدید کردم. از قبل اطلاع داشتم این کتاب به زبان عربی ترجمه شده و در انتشارات دارالکتب علمی که برخلاف نامش اصلاً علمی نیست و کاملاً بازاری است منتشر شده است. زمانی که از او پرسیدم این کتاب را دارید، در قیافه‌اش آمیزه‌ای از تعجب و ناراضیانی دیدم. گفت داریم. از او پرسیدم چرا نیست؟ دو نسخه لازم دارم؛ یکی برای خودم و دیگری برای مجتبیایی. فرادیش دو



مجتبیایی در مراسم نکوداشت ۹۷ سالگی فتح‌الله مجتبیایی

افتخار نداشتم، در کلاس استاد حاضر باشم که اگر ممکن بود، بسیار خوب و زیبا بود. باید اقرار کنم هر لحظه در محضر ایشان، کلاس روحانی و مغیبدی است.

او ادامه داد: در زبان خردمان یک اصلاحات رایج و شایعی داریم با عنوان «اطمینان» و از این کلمه سی ساخت دیگری داریم. «طمأنینه» یکی از این ساخت‌هاست. به کسی می‌گوییم با طمأنینه، که در رفتن قدم را با استوار می‌گذارد؛ هم محکم، هم به‌جا و بر روی هدف. این اهل طمأنینه‌است.این طمأنینه را می‌توان در خدمت استاد مجتبیایی دید. این نعمت نادر و گران‌بهایی است. اگر فرصتی شود و ایشان سخنی بگویند طمأنینه‌ای را در لفظالفظ سخن ایشان خواهیم دید. تجربه من این را می‌گوید، پیری معبود جوانی است؛ پیری استادانی که در این سن و سال به‌مدالله در عین سلامت جوانی زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد آنها جزو آفای دگر عادل مشورت کردیم فرزند جوانی به افزود شود و برکات عمرش بیش از گذشته باشد و توفیق داندته باسپم از محضرشان استفاده کنیم.

فتح‌الله مجتبیایی، نویسنده و از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان اینکه فردوسی زمانی که پیر شده بود، شکایت می‌کرد «دو گوش و دوپای من آهو گرت»، گفت: الان تمام اعضای پدتم آهو گرت. او با تشکر از رئیس فرهنگستان و موسی اسوار برای ترجمه کتاب «نحو هندی و نحو عربی»، گفت: استاد اسوار این کتاب را آن طور که شایسته بود، ترجمه و عرضه کرده است. همانطور که اشاره شد، قبلاً ترجمه کتاب در بیروت چاپ شده بود اما زمانی که کتاب را دیدم گفتم «آئی نیست که من می‌خواهم.» استاد اسوار هم کتاب را دیده بود اما مورد پسندش قرار نگرفته و پیشنهاد شد، ترجمه جدید را خودشان بر عهده بگیرند و ترجمه کتاب شایسته‌بود، نثر بسیار زیبا و شیوا، نکات نحوی به گونه‌ای ترجمه شده که مشخص بود ایشان ریزه‌کارهای نحوی عربی را به خوبی می‌دانند و با ترجمه، حق مطلب ادا شده‌است.

این استاد پیشگاموت سپس در ادامه درباره شکل‌گیری ایده نوشتن این کتاب که ابتدا به صورت یک مقاله کلاسی بوده و سپس مقاله مفصلی شده و بعد هم به صورت کتاب منتشر شده‌است توضیح داد و گفت: دکتر اسوار کتاب مرده را زنده کرد و امیدوارم کارهای فرهنگی بهتر و بزرگتری انجام دهند.

این استاد پیشگاموت سپس در ادامه درباره شکل‌گیری ایده نوشتن این کتاب که ابتدا به صورت یک مقاله کلاسی بوده و سپس مقاله مفصلی شده و بعد هم به صورت کتاب منتشر شده‌است توضیح داد و گفت: دکتر اسوار کتاب مرده را زنده کرد و امیدوارم کارهای فرهنگی بهتر و بزرگتری انجام دهند.

محمود عابدی، نویسنده، مصحح و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز با بیان اینکه زبانم در توصیف استادان به‌خصوص در حضورشان الکن است، گفت: اضافه می‌شوند. با توجه به اینکه «اخراجی‌های ۴» در دوران معاصر روایت می‌شود؛ مجید سوزوکی با بازی کامبیز دیرباز شهید شده است.

رایزن‌ها با بازیگران دیگری نیز بر اساس برنامه کاری آنان در حال انجام است و در سری جدید «اخراجی‌ها۴» افراد جدیدی نیز به ترکیب بازیگران قدیمی اضافه می‌شوند؛ چراکه به طبع این بازیگران به نسبت دوران دفاع مقدس دوران دفاع مقدس حضور دارند که به نظر می‌رسد که دنمکی با آثاری چون «دارا و ندار»، «معراجی‌ها»، «رسوایی»، «زندانی‌ها» در تدارک اثر متفاوتی است که می‌تواند نگاهی انتقادی به شرایط اجتماعی و حتی به سینما داشته باشد.

فرهنگ و هنر

اخبار

کفش «جادوگر شهر اوز» ۲۸ میلیون دلار فروش رفت



کفش‌های یاقوتی نمادین که توسط جودی گارلند در فیلم «جادوگر شهر اوز» پوشیده شده بود روز شنبه در یک حراجی به قیمت ۲۸ میلیون دلار فروخته شد.

به گزارش برنا؛ کفش‌های یاقوتی نمادین که توسط جودی گارلند در فیلم «جادوگر شهر اوز» پوشیده شده بود و نزدیک به دو دهه پیش از یک موزه زدیده شده بود، روز شنبه در یک حراجی به قیمت۲۸ میلیون دلار فروخته شد. گاردین نوشت، حراجی هرتیج تخمین زده بود که این کفش‌ها به قیمت حدود ۳ میلیون دلار به فروش برسند، اما در جریان رقابت ۱۵ دقیقه‌ای برای خرید کفش‌ها، در نهایت آن‌ها به قیمت چشمگیر ۲۸ میلیون دلار چکش خوردند که البته خریدار ناشناس کفش‌ها با احتساب کارمزد حراجی هرتیج درحقیقت باید ۳۲.۵ میلیون دلار برای یادگار به جای ماندن از فیلم «جادوگر شهر اوز» بپردازد. این کفش‌ها سیزده سال پس از ناپدید شدن توسط اف بی آی پیدا شدند. این کفش سال ۲۰۰۵ از موزه جودی گارلند توسط تری مارتین رئیس سابق موزه به سرقت رفت. از آنجا که این کفش به مبلغ یک میلیون دلار بیمه شده بود، او به اشتباه تصور کرده بود که از یاقوت واقعی ساخته شده‌است. مارتین دادگاهی و به سرقت یک اثر هنری بزرگ در اکتبر ۲۰۲۳ متهم شد. این کفش که در اصل رو فرشی است باشنه ابریشمی قرمز رنگ دارد و رویه آن با پاشنه‌هایش با روکش ابریشمی پولک‌دار پوشیده شده است. این کفش با آستر چرم سفید و زیره‌های چرمی به رنگ قرمز با نمد نارنجی که به پایه جلویی چسبانده شده، دوخته شده است.

کیمیایی هنوز کات نداده است

مسعود کیمیایی همچنان به فعالیت‌های هنری‌اش ادامه می‌دهد. اینبار در حوزه نقاشی و

تجسمی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. بوم نقاشی‌های کیمیایی را می‌توان در امتداد قاب

سینمای ایران به عنوان «جسد‌های جاندار» در گالری ثالث برپاست؛ نمایشگاهی که کثیرالاضلاع بودن این هنرمند را تایید می‌کند. اثر هنرمند بازنمایی از جهان ریزسته اوست، با چنین گزاره‌ای می‌توان تمامی آثار یک هنرمند را زنجیره‌ای به هم پیوسته دانست که در قامت‌های متنوع

نقش می‌آفرینند و جهانی خلق می‌کنند؛ اگر این جهان متکی بر خردگاهی باشد یا گذر زمان متزلزل نخواهد شد.نقاشی‌های کیمیایی هرچند از گالری ثالث برپاست؛ نمایشگاهی که کثیرالاضلاع بودن این هنرمند را تایید می‌کند. اثر هنرمند بازنمایی کند اما راوی دنیای بی‌آرمان، محافظه‌کار و بی‌شکل و فرم امروزی هستند. نقاشی به مقایسه به سینما هنری در اصطلاح تک نقره است. نه ایستگی به عوامل دارد و نه محدودیت‌های تکنیکال کار را غیرممکن می‌کند. نقاشی امکانی است که کیمیایی می‌تواند در آن پروراند و در هر آنچه را در ذهن دارد به بوم نقاشی‌اش دعوت کند. کیمیایی در بوم نقاشی اصراری به بازنمایی پیرامونش به شکل ناتولاریستی‌اش ندارد. بوم نقاشی، محل تصویر کردن خواب های کیمیایی است که میان انتزاع و واقع رفر درحال سیر است. قاب نقاشی‌های کیمیایی در امتداد قاب سینما قرار می‌گیرد و از این روست که نامدهای نقاشی‌های کیمیایی را می‌توان بازخوانی سینمای این هنرمند دانست با این تفاوت که کیمیایی در نقاشی هایش پا از زمین برمی‌دارد و وفاداری خود را به واقعیت از دست می‌دهد. آثارشدر فضای میان تخیل و واقعیت از دل اسطوره‌ها بیرون می‌آید و به بی‌زمانی و بی‌مکانی دلالت دارد.

نقاشی‌های کیمیایی قسه‌گو هستند. قسه‌هایی که برخی ریشه در کهن الگوها دارد. با نماد و سمبل قسه می‌گوید. «کی بود» را می‌گوید تا مخاطب «یکی نبود»، را به یادآور و قسه را به پایان برساند. او با بیان اینکه «من شاید نقاش نباشم اما نقاشی می‌کنم» بر ضرورت خلق و آفرینش هنری مدام تأکید می‌ورزد زیرا معتقد است هنرها از هم جدا نیستند، بلکه همسایه‌همند.

نمایش‌های تازین‌نقاشی‌های مسعود کیمیایی که ادامه شعرها، فیلم‌ها و داستان‌های او هستند از ۹ تا ۲۰ آذر در گالری ثالث ادامه خواهد داشت.

سینماحقیقت؛ ساختار شکنی در طرح و پرورش سوژه

مخاطبانی که به پیگیری مجاب می‌شوند

فیلم شده و حالا در یک آوردگاهی که مبتنی بر نگاه آزاد است، مورد محکی جدی قرار می‌گیرند. بنابراین جشنواره به‌عنوان یک تالی بر مقدمه‌ای است که مرکز گسترش رقم‌زده از این فضا می‌تواند برای سینماگران این حوزه، یک غنیمت بسیار ارزشمند تلقی شود.

همچنین این رویداد به‌مانند دیگر جشنواره‌های سینمایی کشور، از حواشی کمتری برخوردار بوده و فرآیند مردمی بودن آن، از استحکام فزاینده‌ای برخوردار است همچ‌نان‌که مراحل استقبال از آثار، خرید بلیت آثار و رای‌گیری مردمی ازجمله بخش‌هایی است که با کمترین حاشیه، روال معمول خود را طی کرده و به سرانجام می‌رسانند.

مجموع تمام این پارامترها سبب شده تا جشنواره سینماحقیقت به قلب پرمخاطب سینمای مستند در ایران و منطقه خاورمیانه تبدیل شود که معدل آماری آن، سالانه با افزایش مواجه است. به‌طوری‌که برای این دوره، ۵۳۳ اثر ملی و ۲۳۱۴ فیلم بین‌الملل متقاضی حضور در این رویداد بودند که یک آمار خوب تلقی شده و مسئولیت جشنواره را در قبال این میزان استعداد بیشتر می‌کند.

حوزه است.

از سوی دیگر، سوژه‌هایی که در فیلم مستند مورد پرداخت واقع می‌شود، تفاوت‌هایی بنیادین با آنچه در فیلم‌های کوتاه و آثار بلند داستانی‌دستمایه قرار می‌گیرند، دارند و همین ساختارشکنی در طرح سوژه و پرورش آن، خلأقبتی را رقم می‌زند که مخاطبان را به پیگیری آن مجاب می‌کند. همین پتانسیل سبب شده تا برخی عناوین نظیر «سینمای سفارشی» یا «نگاه حمایت‌گرانه از برخی مضامین»، از ساخت سینمای مستند و جشنواره آن زودوه شده و مخاطبان، به دلیل اصالت این نوع سینما و بافت مستند آن، مخاطب چنین رویدادی می‌شوند که این مهم، در کمتر رویداد سینمایی دیده و تجربه شده است.

نکته مهم دیگری که در مورد این جشنواره مطرح است آن‌که سینمای مستند به‌واسطه ذات خود، همواره از جانب مراکز مدیریت سینما در کشورهای مختلف، مورد حمایتی ویژه قرار می‌گیرد. این جشنواره، یک محفل رقابتی برای کسانی است که اگر نتوانسته‌اند به‌صورت مستقل، اثر خود را تولید کنند، با تکیه بر ظرفیت‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی موفق به ساخت

